

بررسی ابعاد ساختار قدرت در خانواده و رابطه آن با باروری (مطالعه موردی: زنان متأهل شهر تهران)

زینب کاوه‌فیروز^۱، فریبا کریمی^{۲*}

چکیده

ایران، در چند دهه اخیر، افت شدیدی را در میزان باروری کل داشته است. نتایج مطالعات نشان می‌دهد نقش زنان در اجتماع و توانایی تصمیم‌گیری در امور خانواده از عوامل مؤثر بر رفتار باروری زنان است. پژوهش حاضر، با استفاده از روش پیمایش، به بررسی رابطه برخی ابعاد ساختار قدرت زنان در خانواده با میزان فرزندآوری زنان در شهر تهران می‌پردازد. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه از ۴۰۰ زن همسر دار دارای حداقل یک فرزند در شهر تهران جمع‌آوری شده است. نتایج تحلیل دومتغیره نشان می‌دهد که رابطه بین متغیرهای دسترسی به منابع ارزشمند (تحصیلات، اشتغال، سرمایه اقتصادی)، استقلال فکری زنان، تقسیم کار خانگی، نگرش به نابرابری‌های جنسیتی و ساختار قدرت در خانواده با میزان فرزندآوری معنادار است. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون بیانگر این است که از میان متغیرهای مختلف، متغیر دسترسی زنان به منابع ارزشمند و تقسیم کار خانگی نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین تغییرات متغیر وابسته دارد؛ به گونه‌ای که با افزایش دسترسی زنان به منابع ارزشمند و کاهش مشارکت آنان در تقسیم کار خانگی فرزندآوری کاهش می‌یابد. علاوه بر این، متغیر استقلال زنان نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در رابطه با متغیر فرزندآوری قدرت تبیین بالایی دارد؛ به گونه‌ای که وقتی استقلال زنان افزایش می‌یابد، فرزندآوری‌شان کاهش پیدا می‌کند.

کلیدواژگان

استقلال زنان، باروری، تقسیم کار خانگی، تهران، ساختار قدرت در خانواده، مشارکت اجتماعی، منابع ارزشمند، نابرابری‌های جنسیتی.

۱. استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه خوارزمی
z.kavehfiroz@gmail.com

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی
fariba.karamy67@gmail.com

۱. استادیار جمعیت‌شناسی دانشگاه خوارزمی
۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه خوارزمی
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۶/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۲

مقدمه

زندگی روزمره بستر شکل‌گیری پدیده‌های اجتماعی از جمله قدرت است که کلید اساسی فهم روابط اجتماعی نیز محسوب می‌شود. اگرچه قدرت یکی از جنبه‌های اجتناب‌ناپذیر روابط انسانی است، ساختار آن به دلیل بسترها و موقعیت‌های متفاوت اجتماعی ثابت نیست و منابع به‌وجودآورنده برای زنان و مردان متفاوت است. به همین دلیل، یکی از موضوع‌های مهم و مورد توجه جامعه‌شناسان در حوزه مطالعات خانواده، روابط بین زنان و مردان و مطالعه ساختار قدرت در خانواده است [۵، ص ۱۷۶].

با وجود دگرگونی در ساختار خانواده و نقش‌های خانوادگی، بی‌تردید، خانواده همچنان یکی از ارکان و نهادهای اصلی جامعه به‌شمار می‌رود. اهمیت خانواده سالم از این روست که نه تنها محیط مناسبی برای همسران به‌شمار می‌آید، بلکه وظیفه جامعه‌پذیری و تربیت نسل‌های آتی را نیز برعهده دارد. به‌عبارتی می‌توان گفت درونی‌کردن ارزش‌ها و هنجارها از خانواده آغاز می‌شود. وجود خانواده از آن‌رو ضروری است که شخصیت انسانی از طریق فرایند اجتماعی‌شدن در آن زاده می‌شود. آن‌ها کارخانه‌هایی هستند که شخصیت انسانی را تولید می‌کنند. ایفای بهینه این کارکردها نه تنها برای بقای خانواده، بلکه برای تداوم جامعه و انسجام اجتماعی نیز ضروری است. یکی از کارکردهای نهاد خانواده باروری است که امروزه دستخوش تغییرات معناداری شده است. کاهش نرخ باروری در جهان و همچنین در ایران، آن هم به صورت همگون در همه شهرها و روستاها [۶] مسئله‌ای است که به‌تازگی توجه جمعیت‌شناسان و جامعه‌شناسان را به خود معطوف کرده است. وسعت و اهمیت این تغییرات به حدی است که امروزه بسیاری از جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران نگران آینده این نهادند و از کاهش اهمیت و حتی زوال آن، به‌ویژه در جوامع پیشرفته، سخن می‌گویند (۱۱، ص ۴۴۳).

بیان مسئله و ضرورت تحقیق

دگرگونی‌های اجتماعی، تحول در الگوهای زندگی جوامع شهری و ورود زنان به اجتماع موجب تغییر و تحول در نگرش افراد، در توزیع نقش‌ها و به تبع آن، توزیع قدرت در خانواده شده است [۱۸]. در الگوهای سنتی، قوانین مشخصی در مورد وظایف زن و مرد و انجام‌دادن فعالیت‌های مربوط به زندگی زناشویی وجود داشت و درواقع از پیش تعیین شده بود. ولی افزایش سطح سوادآموزی افراد، به‌ویژه زنان، ورود زنان به اجتماع و داشتن مشارکت و کنترل بر منافع اقتصادی خانواده، از عواملی است که الگوهای سنتی را تحت تأثیر قرار داده و بر تغییر ساختار خانواده و نحوه توزیع قدرت در خانواده تأثیر بسیار داشته است [۱۰]. لنسکی پیشرفت‌های

تکنولوژیک و فرایندهای ناشی از آن را به منزله یکی از علل اساسی تغییر در ساخت و کارکرد خانواده مطرح می‌کند [۱۲، ص ۴۶۸]. باروری یکی از کارکردهای خانواده است که به شدت دستخوش تغییر شده است. امروزه، بسیاری از کشورهای پیشرفته و در حال توسعه میزان باروری کل در سطح جانشینی و حتی پایین‌تر از سطح جانشینی^۱ را تجربه کرده‌اند. ایران نیز از کشورهایی است که در چند دهه اخیر افت شدیدی را در نرخ‌های باروری خود داشته است. کاهش نرخ باروری کل^۲ از حدود ۷ به ازای هر زن، در سال ۱۳۵۹، به حدود ۱/۹ فرزند در سال ۱۳۸۵، مؤید همین مطلب است [۶]. علاوه بر این، باروری استان‌های مختلف کشور، به صورت همگون، این روند کاهشی را طی کرده و در سال ۱۳۹۰ باروری اکثر استان‌ها به زیر سطح جانشینی رسیده است و میزان باروری کل برای کشور حدود ۱/۸ فرزند به ازای هر زن بوده است [۶]. با توجه به موارد یادشده، مطالعه حاضر به منزله یک مطالعه خرد جهت بررسی تأثیر ابعاد ساختار قدرت در خانواده بر فرزندآوری زنان در شهر تهران انجام شده است. سؤال اصلی در این پژوهش این است که ساختار قدرت در خانواده تهرانی چگونه است و رابطه آن با پدیده باروری به چه صورت است؟

چارچوب نظری پژوهش

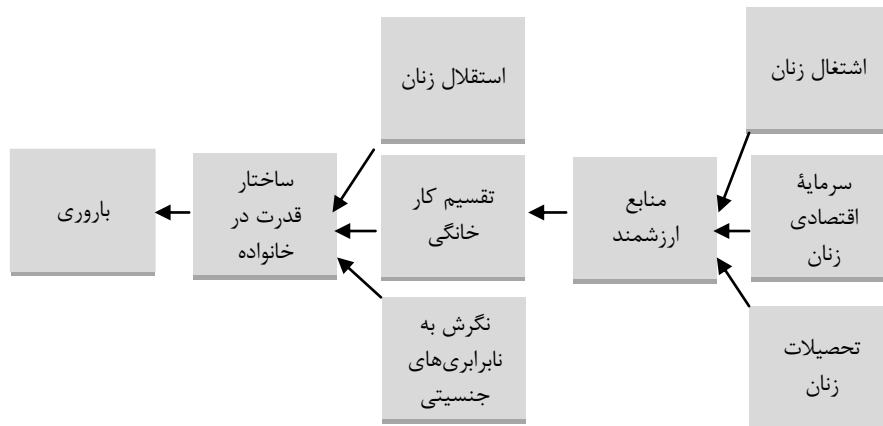
نظریه مدرنیزاسیون: ویلیام گود^۳ براساس این تئوری دگرگونی‌های به وجود آمده در خانواده را نتیجه اجتناب‌ناپذیر دگرگونی‌های ساختاری جامعه و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی می‌داند. به عقیده وی، زمانی که دگرگونی‌های ساختاری در سطح کلان (دگرگونی‌هایی مانند صنعتی شدن، شهرنشینی، و...) و دگرگونی‌های ایدئولوژیکی نیز در سطح کلان رخ می‌دهد، سازمان‌های سطوح خرد و نهادهای سطوح میانی همچون خانواده نیز به اجبار باید خود را با این دگرگونی‌های سطح کلان انطباق دهند [۱، ص ۱۷]. از بین شاخص‌های مهم مدرنیزاسیون می‌توان به گسترش فرصت‌های تحصیلی، تغییرات وسیع در نیروی کار و فعالیت‌های شغلی، اشتغال زنان و شهرنشینی، رشد فردگرایی و مسئولیت‌گریزی اشاره کرد [۱۳، ص ۴۳].

نظریه برابری جنسیتی مک‌دونالد: بحث اصلی این نظریه ناهماهنگی بین نهادهای اجتماعی در زمینه برابری جنسیتی است. ناسازگاری میان سطح بالای برابری جنسیتی در نهادهای اجتماعی فردمحور و تداوم نابرابری جنسیتی در درون نهادهای اجتماعی خانواده‌محور موجب شده است تا زنان نتوانند ترکیبی از کار و فرزند را وارد زندگی‌شان کنند. بنابراین، زنان

1. replacement level
2. total fertility rate
3. William Good

ناگزیرند زاد و ولد خود را کنترل کنند و این موجب شده است تا باروری در کشورهای توسعه‌یافته صنعتی به زیر سطح جایگزینی کاهش بیابد. در اقتصادهای پیشرفته امروز، زنان مادامی که از سوی نقش‌های خانوادگی‌شان محدود نشده‌اند، قادرند در بازارهای کار رقابت کنند. در چنین شرایطی، برخی از زنان تصمیم می‌گیرند از نقش خانوادگی‌شان پرهیز کنند تا نقش فردی‌شان تقویت شود؛ یعنی آن‌ها یک رابطه دائمی را شکل نخواهند داد، یا اینکه بچه‌ای نخواهند داشت یا شمار فرزندان آن‌ها کمتر از آن چیزی خواهد بود که می‌خواهند داشته باشند [۱۷].

نظریه منابع: دیدگاه والاس و ولف^۱ به نام نظریه منابع معروف است [۱۷۹، ص ۱۹]. اولسون و کرامول^۲ معتقدند ایده اصلی نظریه این است که یک فرد منابع و امکاناتی در اختیار دارد که برای رسیدن به اهداف، نیازها، خواسته‌ها، تمایلات و علایقش ضروری است [۲، ص ۱۳۰]. به این معنا که، در محیط خانواده تصمیم‌گیری به نفع آن طرفی است که منابع و امکاناتی را، که سایر اعضای خانواده برای رفع نیازها و رسیدن به اهدافشان نیاز دارند، در دست دارد [۱۹، ص ۱۸۲]. پس، قدرت در خانواده به وسیله عضو که منابع بیشتری را عرضه می‌کند کنترل می‌شود. ولف منابع را این‌گونه تعریف می‌کند: هر نوع دارایی متعلق به فرد یا گروه که می‌تواند به دیگران عرضه شود و برای رفع نیازهای آن‌ها سودمند باشد یا وسیله‌ای برای رسیدن آن‌ها به اهدافشان باشد [۹، ص ۷۳].



شکل ۱. مدل پژوهش

1. Wallace & Wolf
2. Kramwel

نظریه تفکیک نقش: پارسونز به عنوان نظریه پرداز برجسته تفکیک نقش، با بررسی خانواده هسته‌ای در قرن بیستم معتقد است که ساختار خانواده حاصل تمایزپذیری و تفکیک در دو محور سلسله مراتب قدرت و نقش‌های ابزاری در مقابل نقش‌های احساسی-عاطفی است. از نظر وی، تفاوت نقش زن و شوهر در خانواده ناشی از تفاوت‌های زیستی آنان است. نقش مرد ابزاری و نقش زن احساسی-عاطفی است [۱۵، ص ۵۷]. در این دیدگاه تقسیم کار خانگی بر پایه تبیین جنسیتی، جایگاهی برای نمایش و بازتولید جنسیت زنان و مردان است. در مدل خانواده سنتی، مسئولیت مرد در تأمین درآمد خانواده باعث تثبیت وابستگی مالی زنان به شوهران خود و افزایش قدرت مردان در خانواده می‌شود [۱۶، ص ۱۱۵۴].

فرضیه‌های پژوهش

۱. به نظر می‌رسد بین قدرت زن در خانواده و میزان باروری رابطه معکوس وجود دارد؛
۲. به نظر می‌رسد بین میزان دسترسی زن به منابع ارزشمند و نرخ باروری رابطه معکوس وجود دارد؛
۳. به نظر می‌رسد بین میزان استقلال زنان و نرخ باروری رابطه معکوس وجود دارد؛
۴. به نظر می‌رسد بین تقسیم کار در خانواده و نرخ باروری رابطه مستقیم وجود دارد. به این معنا که هرچه زن مشارکت بیشتری در کارهای بیرون از خانه (نظیر اشتغال و تحصیل) داشته باشد، میزان فرزندآوری‌اش نیز کمتر است و برعکس؛
۵. به نظر می‌رسد بین باور به نابرابری جنسیتی و نرخ باروری رابطه معکوس وجود دارد.

روش تحقیق

این تحقیق به روش پیمایش اجتماعی^۱ انجام گرفته و واحد تحلیل در آن، خانواده است. به عبارتی، واحد اجتماعی^۲ و عنصر بسیط، خانواده (قدرت در خانواده) و سطح مشاهده^۳، فرد است. جامعه آماری این تحقیق بنا بر ضرورت موضوع و مسئله، شامل زنان، در حال حاضر دارای همسر و حداقل یک فرزند، مناطق ۲۲گانه شهر تهران بوده است. حجم جامعه آماری زنان متأهل دارای همسر مناطق ۲۲گانه شهر تهران با استناد به سرشماری سال ۱۳۸۵، شامل یک میلیون ۹۶۹ هزار و ۱۴ نفر بود که با نظر گرفتن آزمون

1. social survey
2. social unit
3. level of observation

آماري کوکران^۱، ۳۸۴ آزمودنی انتخاب شده است. علت انتخاب شهر تهران برای پژوهش از لحاظ اجتماعی، وجود تنوع قومیتی و فرهنگی در این شهر بوده است. برای تعیین واحدهای نمونه از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای طبقه‌ای استفاده شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه استفاده شده است. روایی پرسش‌نامه، روایی صوری و برای اطمینان یافتن از پایایی بخش‌های آن از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج گویای آن است که ضریب آلفای کرونباخ برای طیف‌های استقلال زنان ۰/۸۳، تقسیم کار خانگی ۰/۷۸ و نابرابری جنسیتی ۰/۸۱ است. اطلاعات گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS، با توجه به سطوح سنجش، در دو سطح توصیف (توزیع درصد و فراوانی) و تبیین آزمون‌های پیرسون، مقایسه میانگین‌ها، رگرسیون و تحلیل مسیر) پردازش شده است.

روش نمونه‌گیری

برای تعیین واحدهای نمونه از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای طبقه‌ای استفاده شده است. در مرحله اول، مناطق ۲۲گانه شهر تهران از نظر سطح توسعه اقتصادی-اجتماعی ساکنان آن به پنج طبقه تقسیم شدند و از هر طبقه، بسته به تراکم جمعیت زنان متأهل حداقل دارای یک فرزند، یک یا دو منطقه برای نمونه انتخاب شد. با استفاده از نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ و مشخصات جمعیتی ساکنان مناطق و سطح توسعه اجتماعی مناطق ۲۲گانه شهر تهران، براساس میزان امکانات و تسهیلات واحدهای مسکونی در هر منطقه، درصد شاغلان در مدارج عالی، درصد افراد باسواد و دارای تحصیلات عالی، درصد مهاجران غیرروستایی از کل جمعیت مهاجر، درصد جمعیت فعال و شاغل محاسبه شد و از نظر سطح توسعه، مناطق مختلف شهر تهران به پنج گروه از بالای بالا تا پایین پایین طبقه‌بندی شد. در مرحله دوم، با استفاده از روش نسبتی^۲، حجم نمونه در هر یک از مناطق مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در این مرحله، تعداد جمعیت زنان متأهل حداقل دارای یک فرزند، ساکن مناطق مختلف شهر تهران در سال ۱۳۸۵ ملاک قرار گرفته است. شایان ذکر این است که حجم نمونه

$$1. n = \frac{z^{\alpha} * pq}{d^{\alpha} + \frac{1}{N} \left(\frac{z^{\alpha} * pq}{d^{\alpha}} - 1 \right)}$$

$$2. (n_A = \frac{n * N_A}{N})$$

در هر منطقه، بسته به تعداد جمعیت زنان متأهل حداقل دارای یک فرزند هر منطقه خواهد بود. براین اساس، تعداد حجم نمونه در مناطق انتخابی به صورت جدول ۲ بوده است. مناطق انتخابی در هریک از مناطق فوق عبارتند از: ۳-۲-۵-۱۴-۱۵-۱۸-۲۰-۲۲

جدول ۱. تقسیم‌بندی مناطق شهر تهران براساس شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی

شماره مناطق	
۱-۳	بالای بالا
۲-۶-۷-۲۲	بالا
۴-۵-۸-۱۱-۱۲-۱۳-۱۴	متوسط
۹-۱۰-۱۵-۱۶-۱۷-۲۰-۲۱	پایین
۱۹-۱۸	پایین پایین

جدول ۲. نمونه‌گیری براساس سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی مناطق

شماره مناطق انتخاب شده	تعداد نمونه به روش نسبی	
۳	۳۳	بالای بالا
۲-۲۲	۶۰	بالا
۱۴-۵-۵	۱۵۶	متوسط
۱۵-۲۰	۱۰۷	پایین
۱۸	۲۸	پایین پایین
	۳۸۴	جمع

در مرحله سوم، در هریک از مناطق انتخابی با استفاده از نقشه بلوک‌بندی هر منطقه بلوک‌هایی انتخاب شد و در هر بلوک به روش تصادفی ساده، واحدهای مسکونی انتخاب شد و زنان متأهل حداقل دارای یک فرزند، در هر خانوار مورد مصاحبه قرار گرفتند.

متغیرهای تحقیق

در پژوهش حاضر، متغیر وابسته میزان باروری و متغیر وابسته میانی در این پژوهش، ساختار قدرت در خانواده است که به الگوی حاکم بر روابط زن و مرد در خانواده اشاره دارد. توزیع قدرت در خانواده در این تحقیق از سه بعد سنجیده می‌شود:

۱. استقلال زنان و دسترسی آن‌ها به منابع ارزشمند؛
۲. الگوی تقسیم کار خانگی؛
۳. شیوه نگرش به نابرابری‌های جنسی.

متغیرهای مستقل

متغیر استقلال زنان: استقلال زنان شامل استقلال اقتصادی و فکری است. استقلال اقتصادی در قالب میزان دسترسی به منابع ارزشمند (همچون تحصیلات، شغل و میزان دارایی) سنجیده شده است. همچنین، استقلال فکری با استفاده از ۱۵ گویه در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است.

متغیر تقسیم کار: تقسیم کار خانگی با استناد به تئوری تفکیک نقش‌ها به نقش‌های ابزاری و نقش‌های عاطفی تقسیم شده است. این متغیر با ۱۶ گویه سنجیده شده است.

متغیر نگرش به نابرابری‌های جنسیتی: این متغیر در ۱۰ گویه شامل ابعاد: باورهای فرهنگی زن از نقش فرمان‌برانه خود، تصور اقتدارگرایی شوهر نسبت به همسر، پذیرش اقتدار شوهر و مشارکت زن در انتخاب همسر سنجیده شده است.

یافته‌های توصیفی تحقیق

یافته‌های توصیفی تحقیق نشان داد که زنان ۳۰-۳۹ ساله، ۳۲/۳ درصد بیشترین و زنان کمتر از ۲۰ سال با ۲ درصد کمترین نمونه آماری را به خود اختصاص دادند. از لحاظ وضع سواد، ۵ درصد از زنان نمونه تحقیق بی‌سواد و ۹۵ درصد باسواد بودند. به لحاظ میزان تحصیلات از مجموع کل فراوانی ۴۰۰ نفر بیشترین فراوانی پاسخ‌گویان مربوط به افرادی است که آخرین مدرک تحصیلی‌شان دیپلم است که با ۱۳۰ نفر و ۳۲/۵ درصد بیشتر اعضای نمونه را تشکیل می‌دهند؛ در صورتی که کمترین فراوانی پاسخ‌گویان مربوط به افراد دارای مدرک فوق لیسانس و بالاتر است که با ۳۹ نفر و ۹/۸ درصد در اقلیت قرار دارند. به لحاظ منطقه محل سکونت، ۸ درصد از پاسخ‌گویان متعلق به مناطق پایین پایین کمترین فراوانی را داشتند؛ در حالی که بیشترین فراوانی متعلق به مناطق متوسط بود که ۳۹/۸ درصد از جامعه آماری را تشکیل می‌دادند. از لحاظ تعداد فرزندان، اکثریت نمونه آماری با ۴۱/۳ درصد تک‌فرزند بودند و ۴/۳ درصد افراد نمونه بیش از ۵ فرزند داشتند. زنانی که از نظر دسترسی به منابع ارزشمند در سطح بالا قرار داشتند با ۷/۸ درصد در اقلیت نمونه قرار گرفتند؛ در حالی که زنانی که از نظر دسترسی به منابع ارزشمند در سطح پایین بودند با ۶۵/۸ درصد اکثریت نمونه را به خود اختصاص دادند. همچنین، زنانی که در خانواده از استقلال کمی برخوردار بودند با ۱۵/۳ درصد در اقلیت بودند؛ در صورتی که زنانی که در خانه از استقلال در سطح متوسطی برخوردار بودند، با ۶۴/۸ درصد اکثریت نمونه را تشکیل دادند. زنانی که در تقسیم کار خانگی وظایف کمتری برعهده داشتند، با ۶/۸ درصد اقلیت

نمونه بودند و زنانی که در تقسیم کار خانگی سطح متوسطی از وظایف را برعهده داشتند، با ۵۹٫۸ درصد بیشترین اعضای نمونه را به خود اختصاص دادند. پاسخ‌گویانی که کاملاً موافق نابرابری‌های جنسیتی بودند، با ۱۵٫۸ درصد در اقلیت نمونه بودند و پاسخ‌گویانی که تا حدی موافق نابرابری‌های جنسیتی بودند، با ۵۸٫۵ درصد اکثریت اعضای نمونه را تشکیل دادند. زنانی که در خانواده از قدرت پایینی برخوردار بودند، با ۱۵٫۱ درصد اقلیت اعضای نمونه را تشکیل دادند؛ درحالی‌که زنانی که در خانواده دارای سطح قدرت متوسطی بودند، با ۶۲٫۳ درصد بیشترین اعضای نمونه بودند.

جدول ۳. یافته‌های توصیفی تحقیق

درصد	فراوانی	میزان	
۲	۸	کمتر از ۲۰ سال	توزیع سنی
۲۲٫۵	۹۰	۲۰-۲۹	
۳۲٫۳	۱۲۹	۳۰-۳۹	
۲۱٫۸	۸۷	۴۰-۴۹	منطقه محل سکونت
۲۱٫۵	۸۶	بالای ۵۰ سال	
۹	۳۶	بالای بالا	
۱۶	۶۴	بالا	
۳۹٫۸	۱۵۹	متوسط	
۲۷٫۵	۱۱۰	پایین	تعداد فرزندان
۷٫۸	۳۱	پایین پایین	
۴۱٫۳	۱۶۵	۱	
۳۷٫۸	۱۵۱	۲	
۱۱٫۵	۴۶	۳	
۵٫۳	۲۱	۴	ابعاد منابع ارزشمند تحصیلات
۴٫۳	۱۷	۵ به بالا	
۱۴٫۵	۵۸	زیر دیپلم	
۳۲٫۵	۱۳۰	دیپلم	
۱۱٫۳	۴۵	فوق دیپلم	
۳۲	۱۲۸	لیسانس	اشتغال
۹٫۸	۳۹	فوق لیسانس و بالاتر	
۳۳٫۸	۱۳۵	شاغل	
۶۶٫۳	۲۶۵	غیر شاغل	
۷۳٫۵	۲۹۴	کم	

بررسی ابعاد ساختار قدرت در خانواده و رابطه آن با باروری... ۳۰۰

میزان	فراوانی	درصد	
متوسط	۶۴	۱۶	میزان دسترسی به منابع ارزشمند
زیاد	۴۲	۱۰٫۵	
سطح پایین	۲۶۳	۶۵٫۸	
سطح متوسط	۱۰۶	۲۶٫۵	سطح استقلال
سطح بالا	۳۱	۷٫۸	
استقلال کم	۶۱	۱۵٫۳	
استقلال متوسط	۲۵۹	۶۴٫۸	
استقلال زیاد	۸۰	۲۰٫۱	سهم زن از تقسیم کار خانگی
مشارکت پایین زن	۲۷	۶٫۸	
مشارکت متوسط زن	۲۳۹	۵۹٫۸	
مشارکت بالا زن	۱۳۴	۳۳٫۵	اعتقاد به باورهای جنسیتی
مخالف	۱۰۳	۲۵٫۸	
تا حدی	۲۳۴	۵۸٫۵	
موافق	۶۳	۱۵٫۸	میزان قدرت زن در خانواده
پایین	۶۰	۱۵٫۱	
متوسط	۲۴۹	۶۲٫۳	
بالا	۹۱	۲۲٫۸	

یافته‌های استنباطی تحقیق

جدول ۴. سطح معناداری متغیرها

تعداد مشاهدات	تعداد مشاهدات	تعداد مشاهدات	ضریب همبستگی
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	-۰٫۲۴۵
تعداد مشاهدات	تعداد مشاهدات	تعداد مشاهدات	ضریب همبستگی استقلال زنان و باروری
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	-۰٫۱۲۲
تعداد مشاهدات	تعداد مشاهدات	تعداد مشاهدات	ضریب همبستگی تقسیم کار خانگی و باروری
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۰٫۲۰۱
تعداد مشاهدات	تعداد مشاهدات	تعداد مشاهدات	ضریب همبستگی اعتقاد به باورهای جنسیتی و باروری
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	۰٫۱۱۴
تعداد مشاهدات	تعداد مشاهدات	تعداد مشاهدات	ضریب همبستگی قدرت زن در خانواده و باروری
۴۰۰	۴۰۰	۴۰۰	-۰٫۲۱۸

فرضیه ۱: بررسی رابطه بین دسترسی زنان به منابع ارزشمند و باروری: آزمون پیرسون نشان می‌دهد که سطح معناداری زیر ۰٫۰۵ است. بنابراین، می‌توان گفت بین منابع ارزشمند و

تعداد فرزندان رابطه معکوس وجود دارد. به این معنا که وقتی منابع ارزشمند افزایش می‌یابد، باروری کاهش می‌یابد.

فرضیه ۲: بررسی رابطه بین استقلال زنان و باروری: آزمون پیرسون نشان می‌دهد که سطح معناداری زیر ۰/۰۵ است. بنابراین، می‌توان گفت بین استقلال زنان و تعداد فرزندان رابطه معکوس وجود دارد. به این معنا که وقتی استقلال زنان افزایش می‌یابد، باروری کاهش می‌یابد.

فرضیه ۳: بررسی رابطه بین تقسیم کار و باروری: آزمون پیرسون نشان می‌دهد که سطح معناداری زیر ۰/۰۵ است. بنابراین، می‌توان گفت بین تقسیم کار و تعداد فرزندان رابطه مستقیم وجود دارد. به این معنا که وقتی مشارکت زنان در کارهای خانه کمتر می‌شود (به دلیل شاغل بودن یا محصل بودن زن)، باروری کاهش می‌یابد. نتیجه پیرسون نیز تأییدکننده رابطه مستقیم است.

فرضیه ۴: بررسی رابطه بین نگرش به نابرابری‌های جنسیتی و باروری: آزمون پیرسون نشان می‌دهد که سطح معناداری زیر ۰/۰۵ است. بنابراین، می‌توان گفت بین اعتقاد به نابرابری‌های جنسیتی و تعداد فرزندان رابطه مستقیم وجود دارد. به این معنا که هرچه موافقت با نابرابری‌های جنسیتی کمتر می‌شود، باروری نیز کاهش می‌یابد. نتیجه پیرسون نیز تأییدکننده رابطه مستقیم است.

فرضیه ۵: بررسی رابطه بین ساختار قدرت در خانواده و باروری: آزمون پیرسون نشان می‌دهد که سطح معناداری بالای ۰/۰۵ است. بنابراین، می‌توان گفت بین ساختار قدرت در خانواده و تعداد فرزندان رابطه معکوس وجود دارد. به این معنا که وقتی قدرت زن در خانواده افزایش می‌یابد، باروری کاهش می‌یابد.

همان‌گونه که در جدول ۵ ملاحظه می‌شود، متوسط تعداد فرزندان زنانی که منابع ارزشمند پایینی دارند ۲/۰۶ است. این در حالی است که متوسط تعداد فرزندان زنانی که به منابع ارزشمند بیشتری دسترسی دارند ۱/۸ است. متوسط تعداد فرزندان زنانی که استقلال پایینی دارند ۲/۳ است. این در حالی است که متوسط تعداد فرزندان زنانی که استقلال بیشتری دارند ۱/۸ است. متوسط تعداد فرزندان زنانی که مشارکت کمتری در کارهای خانه دارند (به دلیل اشتغال و یا تحصیل) ۱/۷ است. این در حالی است که متوسط تعداد فرزندان زنانی که مشارکت بیشتری در کارهای خانه دارند ۲/۲ است. متوسط تعداد فرزندان زنانی که مخالف نابرابری‌های جنسیتی‌اند ۱/۹ است. این در حالی است که متوسط تعداد فرزندان زنانی که موافق نابرابری‌های جنسیتی‌اند، ۲/۳ است. متوسط تعداد فرزندان زنانی که از قدرت کمی در خانواده برخوردارند ۲/۸ است. این در حالی است که متوسط تعداد فرزندان زنانی که قدرت بیشتری در خانه دارند ۱/۷ است.

بررسی ابعاد ساختار قدرت در خانواده و رابطه آن با ناباروری... ۲۰۲

جدول ۵. مقایسه میانگین متغیرها		
تعداد	میانگین تعداد فرزند	
۲۶۳	۲,۰۶	سطح پایین
۱۰۶	۱,۶	سطح متوسط
۳۱	۱,۸	سطح بالا
۶۱	۲,۳	استقلال کم
۲۵۹	۱,۸	استقلال متوسط
۸۰	۱,۸	استقلال زیاد
۲۷	۱,۷	مشارکت پایین زن
۲۳۹	۱,۷	مشارکت متوسط زن
۱۳۴	۲,۲	مشارکت بالای زن
۱۰۳	۱,۹	مخالف
۲۳۴	۱,۸	تا حدی
۶۳	۲,۳	موافق
۵۹	۲,۸	قدرت پایین زن
۲۴۹	۱,۸	قدرت متوسط زن
۹۱	۱,۷	قدرت بالا زن

میزان دسترسی به منابع ارزشمند

میزان استقلال زن در خانه

سهم افراد از تقسیم کار

اعتقاد به باورهای جنسیتی

میزان قدرت زن در خانواده

تحلیل رگرسیون چندمتغیره

در این بخش قصد داریم نشان دهیم چه میزان از تغییرات متغیر وابسته را متغیرهای مستقل تبیین می‌کنند. برای این کار از آزمون تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شده است. نتایج این آزمون بدین شرح است.

جدول ۶. تجزیه واریانس متغیرهای مؤثر بر باروری				
منبع تغییرات	R	R ²	F	سطح معناداری
رگرسیون	۰,۳۲	۰,۱۱	۱۱,۸	۰,۰۰۰

متغیرهای مستقل وارد شده بر متغیر تعداد فرزندان (متغیر وابسته) مؤثرند. مقدار F محاسبه شده ۱۱,۸ و در سطح ۹۹ درصد معنادار است. معناداری F بیانگر آن است که حداقل یکی از متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی رابطه معناداری با متغیر وابسته دارند. ضریب همبستگی چندگانه ۰,۳۲ بدین معنی است که متغیرهای مستقل داخل معادله به طور هم‌زمان حدود ۳۲ درصد با متغیر تعداد فرزندان (متغیر وابسته) رابطه دارند. R² یا ضریب تعیین به دست آمده نشان می‌دهد که ۱۱ درصد از واریانس متغیر تعداد فرزندان به وسیله متغیرهای

مستقل موجود در معادله تبیین می‌شود و حدود ۸۹ درصد باقی‌مانده را متغیرهای دیگری تبیین می‌کنند که خارج از این بررسی قرار دارند.

جدول ۷. متغیرهای وارد شده در معادله رگرسیون با حذف متغیرهای بی‌تأثیر یا کم‌تأثیر

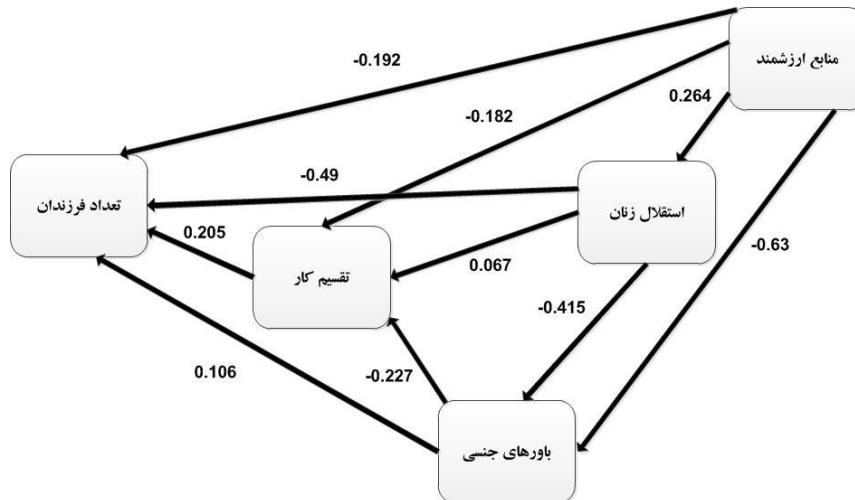
متغیرها	B	SE.B	Beta	T	Sig
مقدار ثابت	۱,۳۱	۰,۶۵۵	-	۲,۰۰۲	۰,۰۴۶
منابع ارزشمند	-۰,۰۸۱	۰,۰۲۱	-۰,۱۹۲	-۳,۸۱۳	۰,۰۰۰
تقسیم کار خانگی	۰,۰۵۲	۰,۰۱۳	۰,۲۰۵	۴,۱۲	۰,۰۰۰
نگرش به نابرابری‌های جنسیتی	۰,۰۱۹	۰,۰۱۰	۰,۱۰۶	۱,۹۵	۰,۰۵

همان‌طور که معناداری آزمون T نشان می‌دهد، متغیرهای وارد شده در مدل رگرسیونی با متغیر وابسته همبستگی دارند. ضریب بتای متغیر منابع ارزشمند $-۰,۱۹۲$ ، ضریب بتای تقسیم کار خانگی برابر $۰,۲۰۵$ و ضریب بتای نگرش به نابرابری‌های جنسیتی $۰,۱۰۶$ است. متغیرهای استقلال زنان و ساختار قدرت در خانواده، با توجه به معنادار نبودن روابطشان با متغیر وابسته (تعداد فرزندان)، از جدول ۷ حذف شدند. به ترتیب اولویت متغیرهای منابع ارزشمند، تقسیم کار خانگی و نگرش به نابرابری‌های جنسیتی بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته (تعداد فرزندان) دارند.

تحلیل مسیر

در این تحقیق، جهت بررسی مدل از تکنیک تحلیل مسیر استفاده شد. متغیرهای مدل عبارت‌اند از دسترسی زنان به منابع ارزشمند، استقلال زنان، تقسیم کار و باورهای جنسیتی (متغیر مستقل)، متغیر میزان باروری (متغیر وابسته). در شکل ۲ متغیرهای پژوهش و میزان ضریب مسیر آن‌ها مشخص شده است.

متغیر تقسیم کار خانگی رابطه مستقیم قوی با تعداد فرزندان دارد و نسبت به سایر متغیرهای تحقیق بیشترین ضریب بتا با $۰,۲۰۵$ را دارد. این بدین معناست که سهم متغیر تقسیم کار نسبت به سایر متغیرهای تحقیق در تبیین متغیر تعداد فرزندان بیشتر است. متغیر استقلال زنان کمترین اثر مستقیم را دارد که بیانگر این نکته است که این متغیر کمترین سهم در تبیین متغیر تعداد فرزندان را دارد. و نیز سهم متغیر دسترسی به منابع ارزشمند با ضریب بتای $۰,۱۹۲$ و نگرش به نابرابری‌های جنسیتی با ضریب $۰,۱۰۶$ در رده بعد قرار می‌گیرد. متغیر دسترسی به منابع ارزشمند با تأثیر بتای $۰,۲۸$ بیشترین تأثیر غیرمستقیم بر متغیر تعداد فرزندان را دارد. بنابراین، متغیر دسترسی به منابع ارزشمند بیشترین سهم را بین متغیرهایی که تأثیر غیرمستقیم داشته‌اند در تبیین متغیر تعداد فرزندان دارد. متغیر تقسیم کار



شکل ۲. مدل علی تحلیل مسیر

تأثیر غیرمستقیم ندارد. متغیر استقلال زنان با ضریب بتای ۰/۲۵ و متغیر نگرش به نابرابری‌های جنسیتی با ضریب بتای ۰/۴۶ نیز بر متغیر وابسته اثر غیرمستقیم دارند. که اثر غیرمستقیم متغیر نگرش به نابرابری‌های جنسیتی بر متغیر وابسته (تعداد فرزندان) از سایر متغیرها کمتر است و نیز اثر کل متغیر دسترسی به منابع ارزشمند با ضریب بتای ۰/۴۷ از همه متغیرهای دیگر بیشتر است؛ درحالی‌که نگرش به نابرابری‌های جنسیتی با ضریب بتای ۰/۱۵ کمترین اثر کل را دارد. همچنین، متغیر استقلال زنان با ضریب بتای ۰/۲۹۹ و متغیر تقسیم کار با ضریب بتای ۰/۲۰۵ نیز روی متغیر وابسته اثر کل دارند. با توجه به نتایج جدول ۸ می‌توان گفت که متغیر دسترسی به منابع ارزشمند مهم‌ترین متغیر در پیش‌بینی و تبیین متغیر تعداد فرزندان بوده است.

جدول ۸. میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (باروری)

متغیر	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل
دسترسی به منابع ارزشمند	-۰/۱۹۲	۰/۲۸۳	۰/۴۷۵
استقلال زنان	-۰/۰۴۹	۰/۲۵۰	۰/۲۹۹
تقسیم کار خانگی	۰/۲۰۵	-	۰/۲۰۵
نگرش به نابرابری‌های جنسیتی	۰/۱۰۶	۰/۰۴۶	۰/۱۵۲

بحث و نتیجه‌گیری

بررسی رفتار باروری زنان ایران در دو دهه اخیر در نتیجه تغییر نسبی موقعیت زنان از اهمیت بسیاری برخوردار است. با توجه به این نکته که باروری در ایران زیر سطح جایگزینی است و اهمیت این موضوع، مطالعه حاضر به بررسی ارتباط ابعاد ساختار قدرت در خانواده و عوامل مؤثر بر باروری زنان در شهر تهران پرداخته است. نتایج حاصل از این پژوهش بدین قرار است: یافته‌های تحلیلی تحقیق نشان‌دهنده آن است که متغیر دسترسی به منابع ارزشمند رابطه معنادار و معکوس با متغیر نرخ باروری دارد. بنابراین، زنانی که تحصیلات بیشتری دارند یا شاغل‌اند، فرصت کمتری برای مادرشدن دارند و ترجیح می‌دهند از باروری‌شان به نفع حفظ موقعیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی‌شان بکاهند. همچنین، از نظر والاس و ولف در محیط خانواده تصمیم‌گیری به نفع آن طرفی است که منابع و امکاناتی را که سایر اعضای خانواده برای رفع نیازها و رسیدن به اهدافشان نیاز دارند در دست دارد [۹، ص ۷۳]. پس، قدرت در خانواده به‌وسیله عضو که منابع بیشتری را عرضه می‌کند کنترل می‌شود. بنابراین، وقتی زنان منابع بیشتری در دسترس داشته باشند، مسلماً قدرت تصمیم‌گیری در مورد تعداد فرزندان را خواهند داشت و فرزندان کمتری به دنیا می‌آورند. همچنین، نتایج آزمون پیرسون نشان می‌دهد که تأثیر متغیر استقلال زنان با متغیر فرزندآوری معنادار و معکوس است. این امر بیانگر آن است که افزایش استقلال زنان موجب کاهش فرزندآوری‌شان می‌شود. همچنین، آزمون پیرسون رابطه متغیر تقسیم کار با نرخ باروری را معنادار و مستقیم نشان می‌دهد. بدین معنی که هر قدر مشارکت زنان در کارهای خانگی کمتر باشد (به دلیل اشتغال خارج از منزل یا تحصیل)، فرزندآوری کاهش می‌یابد و برعکس. این مسئله نشان می‌دهد که وقتی زن هم بیرون از خانه کار می‌کند و هم داخل خانه، وقت کمتری برای رسیدگی به فرزندان پیدا می‌کند؛ بنابراین ترجیح می‌دهد صاحب فرزندان کمتری باشد. رابطه متغیر نگرش به نابرابری‌های جنسیتی با نرخ باروری مستقیم و معنادار است. وقتی به زن و مرد به صورت یکسان نگاه می‌شود، از زنان نیز انتظار می‌رود مانند مردان در نهادهای اجتماعی مشغول به کار شوند، بنابراین فرصت کمتری برای مادرشدن پیدا می‌کنند. آزمون پیرسون نشان‌دهنده این نکته است که بین متغیر ساختار قدرت در خانواده و نرخ باروری رابطه معنادار و معکوس وجود دارد. به این معنا که وقتی قدرت زنان در خانواده بیشتر می‌شود، تعداد فرزندان کاهش می‌یابد و برعکس. بنابراین، وقتی زنان در خانواده صاحب قدرت و استقلال می‌شوند، خودشان تعیین‌کننده تعداد فرزندان خواهند بود و چون زنان صاحب قدرت اغلب برای حفظ استقلال اقتصادی شاغل‌اند، ترجیح می‌دهند فرزندان کمتری داشته باشند.

تحلیل مدل رگرسیونی نشان می‌دهد که متغیر دسترسی به منابع ارزشمند به‌منزله مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده و مؤثرترین عامل و متغیر ساختار قدرت در خانواده کم‌اهمیت‌ترین پیش‌بینی‌کننده و عامل در تبیین رفتار باروری زنان دارای همسر و حداقل یک فرزند مناطق ۲۲گانه شهر تهران شناخته شد.

یافته‌های حاصل از مدل تحلیل مسیر نشان داد که اثر مستقیم متغیر تقسیم کار خانگی نسبت به سایر متغیرهای تحقیق در تبیین متغیر نرخ باروری بیشتر است. متغیر منابع ارزشمند نه تنها روی باروری تأثیر مستقیم دارد، بلکه از طریق تأثیر غیرمستقیم روی متغیرهای استقلال زنان، نگرش به نابرابری‌های جنسیتی و تقسیم کار خانگی مجدداً روی باروری تأثیرگذار است. به این معنا که هنگامی که دسترسی زنان به منابع ارزشمند افزایش پیدا می‌کند، استقلال زنان نیز افزایش و باروری کاهش می‌یابد. هنگامی که دسترسی زنان به منابع ارزشمند افزایش پیدا می‌کند، موافقت زنان با نابرابری‌های جنسیتی کاهش و به تبع آن فرزندآوری کاهش می‌یابد. و نیز هنگامی که دسترسی زنان به منابع ارزشمند افزایش پیدا می‌کند، مشارکت آنان در تقسیم کار خانگی کاهش و در نتیجه تعداد فرزندانشان کاهش می‌یابد.

پیشنهاد‌های تحقیق

از بین متغیرهای مورد سنجش قرار گرفته در این پژوهش، دو متغیر دسترسی به منابع ارزشمند و استقلال زنان متغیرهای تأثیرگذار شناخته شدند. بهتر است برای سیاست‌گذاری این متغیرها در اولویت قرار گیرند و روی آن‌ها تمرکز شود. از آنجا که دسترسی زنان به منابع ارزشمندی نظیر تحصیلات، اشتغال و سرمایه اقتصادی، نگرش آن‌ها را به باروری تغییر داده است و این تغییر نگرش، تغییری فرهنگی است، سیاست‌گذاران باید سیاست‌هایی اتخاذ کنند که زنان هم بتوانند به نقش مادری و همسری خود در خانواده بپردازند و هم موقعیت و جایگاه خود را در اجتماع حفظ کنند. جنس ارائه تسهیلات دولت نه تنها باید تسهیلات اقتصادی را دربرگیرد، بلکه باید روی تسهیلات اجتماعی نیز کار شود. سیاست‌گذاری‌های اقتصادی معمولاً برای طبقات پایین جامعه مؤثر است، ولی برای طبقات متوسط و بالاتر باید سیاست‌های اجتماعی اندیشیده شود. این درست است که سیاست‌های تشویقی دولت، که معمولاً از جنس سیاست‌گذاری‌های اقتصادی‌اند، می‌توانند به خانواده‌های دارای رفاه اقتصادی کمتر کمک کنند که فرزندان بیشتری داشته باشند، بهتر است سیاست‌گذاری‌های دولت در زمینه باروری بر این محور استوار باشد که زوجین کم‌فرزند و بدون فرزند طبقات بالاتر اقتصادی را نیز به باروری تشویق کنند. زمانی که یک زن با تحصیلات بالا و پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالا بازار کار را به منظور فرزندآوری ترک می‌کند، نباید نگران بازگشت دوباره خود به محیط کار باشد. علاوه بر

آن، بهتر است زنان قادر باشند با حضور فیزیکی کمتر، وظایف شغلی‌شان را انجام دهند و با استفاده از شبکه‌های ارتباطی، مشارکت اقتصادی و اجتماعی خود را ادامه دهند؛ مثلاً، می‌توان به مرخصی زایمان، که در بعضی از کشورها هم به مادران تعلق می‌گیرد و هم به پدران، اشاره کرد و همچنین طرحی با عنوان «دورکاری» که طبق آن زنان قادرند حتی در زمان بارداری موقعیت شغلی و اجتماعی خود را حفظ کنند.

منابع

- [۱] اعزازی، شهلا (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی خانواده با تأکید بر نقش، ساختار و کارکرد خانواده در دوران معاصر*، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- [۲] ابوت، پاملا؛ والاس، کلر (۱۳۸۰). *جامعه‌شناسی زنان*، ترجمه منیژه نجم‌عراقی. تهران: نی.
- [۳] حسینی، حاتم (۱۳۸۹). «سرمایه انسانی زنان و هم‌گرایی باروری در کشورهای آسیایی»، *زن در توسعه و سیاست*، ش ۲، ص ۱۶۳-۱۸۸.
- [۴] حسینی، حاتم؛ بیگی، بلال (۱۳۹۱). «استقلال زنان و کنش‌های باروری در میان زنان کرد شهر مهاباد»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۰، ش ۴، ص ۵۷-۷۸.
- [۵] خوراسگانی، علی؛ یزدخواستی، بهجت؛ کیانی، مژده (۱۳۸۹). «مطالعه چگونگی توزیع قدرت در خانواده؛ مدلی براساس نظریه مبنایی»، *فصل‌نامه خانواده‌پژوهی*، ش ۶، ص ۲۲.
- [۶] عباسی شوازی، محمدجلال؛ حسینی چاوشی، میمنت (۱۳۹۲). «تحولات باروری در ایران در چهار دهه، کاربرد و ارزیابی روش فرزندان با استفاده از داده سرشماری‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰»، گزارش منتشر نشده، پژوهشکده آمار، مرکز آمار ایران.
- [۷] عباس شوازی، محمدجلال؛ خواجه‌صالحی، زهره (۱۳۹۲). «سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی، و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی شهر سیرجان)»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۱، ش ۱، ص ۴۵-۶۴.
- [۸] عباس شوازی، محمدجلال؛ علی‌مندگاری، ملیحه (۱۳۸۹). «تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آن‌ها در ایران»، *پژوهش زنان*، دوره ۸، ش ۱، ص ۳۲-۵۱.
- [۹] قندهاری، پردیس (۱۳۸۲). *زن و قدرت*، تهران: نشر سازمان میراث فرهنگی.
- [۱۰] کارلسون، جان؛ اسپری، لن؛ لويس، جودیت (۱۳۸۸). *خانواده درمانی تضمین درمان کارآمد*، ترجمه شکوه نوایی‌نژاد، تهران: انتشارات سازمان اولیا و مربیان.
- [۱۱] گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳ و ۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- [۱۲] لانسکی، گرهارد (۱۳۶۹). *سیر جوامع بشری*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران:

- [۱۳] محمودیان، حسین (۱۳۸۳). «سن ازدواج در حال افزایش، بررسی عوامل پشتیبان»، مجله علوم اجتماعی، ش ۲۴.
- [۱۴] موسایی، میثم؛ مهرگان، نادر؛ رضایی، روح اله (۱۳۸۹). «ترخ باروری و میزان مشارکت زنان در نیروی کار»، زن در توسعه و سیاست، ش ۲، ص ۶۸-۵۵.
- [15] Ahlander, N.R. & Bahr, K.S. (1995) "Beyond Drudgery, Power, and Equity: Toward an Expanded Discourse on the Moral Dimensions of Housework in Families", *Journal of Marriage and the Family*, 57, pp 54-68.
- [16] Denton, M. (2004) "Gender and Marital Decision Making: Negotiating Religious Ideology and Practice", *Social Forces*, 82 (3), pp 1151-1180.
- [17] McDonald, Peter. 1997. Gender equity, social institutions and the future of fertility, Working Papers in Demography 69. Canberra: The Australian National University.
- [18] Sabin, John (1995). *Social Psychology*. Norton, New York.
- Wallace Ruth A. & Wolf Alisin. (1986). *Contemporary Sociology Theories*. Prentice-Hall.